

فروپاشی اتحاد
جماهیر شوروی
در اوایل دهه ۱۹۹۰
به نومحافظه‌کاران
این فرصت را داد تا
دنیای تک قطبی را
دائمی کنند و آنها
مصمم به استفاده
از زور برای تثبیت
بودند

اعتماد پروژه لیبرال دموکراسی عمل کنند. رژیم‌های واشنگتن سعی کرد آن را به عنوان یک دموکراسی معرفی کند واقعاً معامله‌ای بود بین جنگ سالاران بی‌اعتبار و قاچاقچیان مواد مخدر مستقر در شهرهای مستحکم که هیچ کشتی فراتر از دروازه‌های شهر نداشتند.

به گفته ریچارد کلارک مقام ارشد ضد تروریسم دولت بوش، رئیس دولت منتخب واشنگتن، حامد کرزی، واقعاً در خارج از کابل و دو یا سه شهر دیگر اختیاری نداشت. ایالات متحده به یک راه حل ناکارآمد رسید که دولت مرکزی ضعیفی را که در کابل ایجاد کرده بود با جنگ سالاران مستقل قدرتمندی که درگیر اخاذی و خرید و فروش مواد مخدر بودند متحد کند. برای جنگ سالاران، ناامنی‌ها همان طور که کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل متحد بیان کرد یک تجارت و اخاذی یک روش زندگی بود.

علی‌رغم انتخابات تحت حمایت ایالات متحده، عنان در اوایل سال ۲۰۰۴ پیش‌بینی کرد که بدون نهادهای دولتی کارآمد قادر به تأمین نیازهای اساسی مردم در سراسر کشور، اقتدار و مشروعیت دولت کوتاه مدت خواهد بود و به عبارت دیگر ایالات متحده یک دولت شکست خورده را جایگزین دولت طالبان کرد که با همه مشکلات و گناهاانش در چشم غرب، برای افغانستان کارآمد بود.

در مورد طالبان آنها به سادگی یک رژیم موازی در بسیاری از نواحی کشور فراهم کردند که وظایف اساسی دولتی مانند اجرای عدالت را انجام می‌داد. یک فعال برجسته حقوق زنان اثربخشی حکومت طالبان را با عملکرد رژیم تحت حمایت ایالات متحده مقایسه کرد: در ولایات دورتر در موارد سرقت یا جرایم جزئی مشابه، سیستم قضایی طالبان می‌تواند مؤثرتر از پلیس محلی عمل کند؛ در حالی که من از اقدامات طالبان حمایت نمی‌کنم دادگاه‌های آنها به رهبری بزرگانشان جلسات دادرسی برای یافتن متخلف برگزار می‌کنند تا کالاهای دزدیده شده را پس دهند. نتایجی که با نیروی پلیس محلی فاسد به دلیل دریافت رشوه ممکن نبود.

زندگی برای زنان مطمئناً در شهرها بهتر بود اما ارتقای حقوق زنان از همان مشکلی رنج می‌برد که سایر لوازم دموکراسی لیبرال در افغانستان. برای بسیاری از افغان‌ها این انگ مرتبط بودن با تهاجم بود. همان طور که رفیه زکریا خاطر نشان کرد فمینیست‌های سفید پوست چه در داخل و چه در خارج از دولت ایالات متحده تصمیم گرفتند که جنگ و اشغال برای آزادی زنان افغان ضروری است. منطق آنها این بود که اگر آنها فکر می‌کنند مداخله نظامی چیز خوبی است پس لاجرم زنان افغان نیز چنین باید فکر کنند. مشکل این بود که فمینیست‌های افغان هرگز از مریل استریپ کمک نخواستند، چه برسد به حملات هوایی ایالات متحده!